



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۱۱	تاریخ	۱۴۰۳/۰۷/۱۵
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نبأ				
عنوان ۶	روش اول: استدلال به مفهوم شرط				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث ما در تقریب جامعی بود که استاد شهید، مرحوم آیت الله العظمی صدر رحمته الله، اشکالاتی که به استدلال به مفهوم شرط در آیه نبأ برای اثبات حجیت خبر شده است را دسته بندی کرده اند. گفتیم تقریب ایشان را در چند بند بیان می کنیم. تاکنون سه بند را مطرح کردیم.

خلاصه آنچه بیان شد این بود که شرطی که در جمله شرطیه آمده است، اگر محقق موضوع جزاء باشد - که در نتیجه از نظر تحقق خارجی متحد با موضوع جزاء خواهد شد - در صورتی که شرط منتفی شود، موضوع جزاء نیز منتفی می شود؛ لذا چنین شرطیه ای مفهوم نخواهد داشت؛ زیرا مفهوم آن، سلب الحكم به انتفای موضوع است و این نوع از انتفای حکم، در جمله حملیه نیز وجود دارد و اگر موضوع جمله حملیه منتفی شود، حکم آن منتفی خواهد شد. چنین شرطی، در حکم لا شرط است.

اگر شرط، شرطی بود که عارض بر موضوع حکم بود، نه اینکه محقق موضوع حکم باشد، مانند «اذا جائك زيد فاکرمه»، که معنی، بر زيد عارض می شود، در این صورت اگر معیء منتفی شد، زيد که موضوع جزاست، منتفی نمی شود. این نوع از شرط، دارای مفهوم است؛ زیرا با انتفای شرط، حکم منتفی می شود و موضوع باقی است و سلب الحكم، بر موضوع بار می شود و در نتیجه مفهوم این می شود: «اذا لم تجئک زيد فلا تکرمه».

شکل سوم شرط این بود که شرط، محقق موضوع جزاء باشد، اما شرط منحصر نباشد؛ یعنی هم این شرط محقق موضوع است و هم اینکه شرط دیگری می تواند محقق موضوع باشد. در چنین فرضی اگر شرط منتفی شد، موضوع در جزاء منتفی نمی شود؛ زیرا شرط دیگری می تواند محقق موضوع باشد؛ مثلاً اگر گفتیم معنای آیه نبأ چنین است: «النبأ ان جاء به الفاسق

فتبینوا عنه»، اگر «ان جاء به الفاسق» منتفی شود، لازم نیست که «نبأ» که موضوع تبیین است نیز منتفی شود؛ بلکه ممکن است این نبأ را عادل بیاورد. از این رو در این مورد نیز، جمله می تواند افاده مفهوم کند.

بنابراین از سه فرض مذکور، دو فرض دارای مفهوم است و یک فرض، دارای مفهوم نیست و آن در جایی است که شرط، محقق منحصر به فرد موضوع جزاء باشد.

بند چهارم

بحث امروز در بند چهارم است. در بند چهارم، این مطلب را به آیه نبأ تطبیق می کنیم تا ببینیم شرطی که در این آیه آمده است، از کدام یک از سه نوع شرطی است که بیان کردیم.

فرض اول این است که گفته شود مفاد آیه نبأ، «نبأ الفاسق ان جائکم به فتبینوا» است - همان چیزی که مرحوم شیخ رحمته الله علیه فرموده بود. در این صورت هنگامی که شرط (جائکم به) منتفی شود، «نبأ الفاسق» که موضوع است نیز منتفی می شود. بنابر این فرض، آیه مفهوم ندارد و شرط در آن، مسوق برای بیان موضوع در جزاست؛ از این رو مرحوم آخوند رحمته الله علیه بر مرحوم شیخ رحمته الله علیه اشکال کردند که نباید «نبأ الفاسق» را موضوع قرار دهید و الا منجر به سالبه به انتفای موضوع می شود.

فرض دوم این است که گفته شود مفاد آیه، «النبأ اذا جاء به الفاسق فتبینوا» است؛ یعنی «نبأ» موضوع باشد - همان چیزی که مرحوم آخوند و آقا ضیاء می فرمودند. در این صورت، چنین شرطی محقق موضوع است؛ اما محقق منحصر به فرد نیست؛ بلکه «نبأ»، می تواند با «مجیء العادل» نیز محقق شود؛ لذا اگر «لم یجیء به الفاسق» شد، الزاماً «نبأ» منتفی نمی شود؛ زیرا ممکن است نبأ، با محقق دیگری حاصل شود که آن، «مجیء العادل» باشد. بنابراین در صورتی که «نبأ» در آیه موضوع باشد، شرط از اقسامی خواهد بود که محقق موضوع است؛ اما محقق منحصر به فرد نیست (نوع سوم از انواع سه گانه شرط که بیان شد).

فرض سوم این است که گفته شود مفاد آیه، «النبأ المخبر» او «النبأ الجائی به»، «ان کان المخبره فاسقاً فتبینوا» که آنچه شرط قرار گرفته است، فسق مخبر است. برای روشن شدن می توان چنین بیان داشت: «اذا جائک المخبر بخبر فان کان فاسقاً فتبینوا» که شرط، یک امر عارضی بر موضوع (نبأ المخبر) است. در این صورت اگر شرط منتفی شود و مخبر فاسق نباشد، موضوع جزاء، الزاماً منتفی نمی شود؛ زیرا ممکن است «نبأ المخبر»ی باشد که مخبر آن عادل باشد. بنابراین فرض، آیه مفهوم خواهد داشت: «النبأ المخبر ان لم یکن فاسقاً فلا تبیینوا» که یعنی اگر عادل خبر آورد، خبر او را قبول کنید بدون اینکه نیاز به تحصیل علم باشد؛ این، به معنای حجیت تعبیدی خبر عادل است.

بنابراین، بنابر فرض دوم و سوم، آیه می تواند دارای مفهوم باشد.

استاد شهید رحمته الله علیه می فرمایند که اشکالی نیست که شرط در آیه، از قبیل فرض دوم است؛ یعنی از قبیل شرط محقق موضوعی است که منحصر به فرد نیست؛ یعنی مفاد آیه چنین است: «النبأ ان جاء به الفاسق فتبینوا». موضوع جمله شرطیه که هم موضوع شرط است و هم موضوع جزاست، نبأ است و شرط، «ان جاء به الفاسق» است. این شرط، می تواند شرط محقق موضوع باشد؛ اما شرط منحصر به فرد نیست؛ بلکه گاهی آورنده خبر، عادل است؛ لذا تحقق نبأ در خارج، متوقف بر اینکه

فاسق خبر بياورد نیست؛ بنابراین، آیه، دلالت بر مفهوم دارد و مفهوم آیه چنین است: «النبا ان لم یجئکم به الفاسق (جاء به العادل)، فلا تبینوا»^١.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

١. متن تقریرات درس شهید صدر رحمته الله چنین است: «و اما تشخیص انّ الآية من أيّ هذه الأقسام فإذا كان مفادها (نبا الفاسق إذا جیء به أو جاءكم الفاسق به فتبینوا) كان من القسم الأول لا محالة لأنّ انتفاء نبا الفاسق بانتفاء مجيئه عقلي، وإذا كان مفادها (النبا إذا جاء به الفاسق فتبینوا) كان من القسم الثالث كما أشرنا، وإذا كان مفادها (نبا المخبر يجب التبين عنه إذا كان الجائي به فاسقا) كان من القسم الثاني لأن فسق المخبر بخبر حالة طارئة بلحاظ الموضوع. ولا ينبغي الاستشكال في أنّ المستظهر من الآية المعنى الثاني الوسط فتكون الشرطية من القسم الثالث الذي فيها مفهوم بحسب طبعها» بحوث في علم الأصول؛ ج ٤، ص ٣٥٢ و ٣٥٣.